

دوفصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء(س)
سال ششم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۷ (پیاپی ۱۸)

تأثیر آزادسازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب^۱

پروانه سلاطین^۲ و امیرحسام الفت^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۷

چکیده

آزادسازی تجاری، رفع محدودیت‌هایی است که سیاست‌گذاران بر سر راه حرکت متغیرهای کلان اقتصادی در بازارهای اقتصادی ایجاد می‌کنند. آزادسازی تجاری، سبب تخصصی‌تر شدن تولید، تقسیم کار و افزایش درآمد می‌شود. افزایش درآمد، فرصت‌های آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی بهتری را فراهم می‌آورد و سبب عرضه خدمات اجتماعی مطلوب‌تری از سوی دولت‌ها می‌شود. همچنین گسترش تجارت، سبب بهبود تعاملات فرهنگی و گسترش تنوع کالاهای در دسترس مصرف‌کنندگان می‌شود. تجارت انواع جدیدی از کالاها و خدمات مانند تجهیزات پزشکی و بهداشتی را روانه بازارهای داخلی می‌کند. از این رو سلامتی و طول عمر افراد افزایش می‌یابد و بر شاخص توسعه انسانی تأثیر می‌گذارد. آزادسازی تجاری می‌تواند درآمدهای مالیاتی دولت و تعرفه‌های گمرکی را کاهش دهد. کاهش درآمد

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/EDP.2019.20120.1150

۲. استادیار، گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران (نویسنده مسئول)؛
p_salatin@iauec.ac.ir و Par_salatin@yahoo.com

۳. کارشناس ارشد اقتصاد، گروه اقتصاد، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران؛
Amirhesam.olfat@yahoo.com

دولت نیز بر کیفیت و کمیت ارائه خدمات عمومی دولتی مانند آموزش، بهداشت تأثیر دارد و شاخص توسعه انسانی را کاهش می‌دهد. همچنین گسترش تجارت می‌تواند اثرات سویی بر محیط‌زیست و توسعه پایدار داشته باشد. در این راستا، هدف اصلی این مقاله، بررسی میزان تأثیرگذاری آزادسازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ می‌باشد. نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها با استفاده از روش اثرات ثابت در گروه کشورهای منتخب، نشان داد که شاخص آزادسازی تجاری، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارد.

واژگان کلیدی: آزادسازی تجاری، شاخص توسعه انسانی، اثرات ثابت

طبقه‌بندی JEL: O15, F13, C23

۱. مقدمه

در اکثر نظریات مربوط به تجارت بین‌الملل، بر اهمیت گسترش تجارت در توسعه اقتصادی تأکید شده است. طرفداران مکتب مرکانتلیسم، با وجود اینکه بر اعمال محدودیت‌های وارداتی تأکید داشتند، توسعه صادرات را برای رشد اقتصادی ضروری می‌دانستند. «آدام اسمیت» با انتشار کتاب ثروت ملل تجارت آزاد را مطرح و محدودیت‌هایی نظیر اعمال تعرفه و سهمیه‌بندی‌های تجاری را منسوخ نمود. بر پایه نظریه مزیت مطلق «آدام اسمیت»، تجارت آزاد بین دو کشور که در تولید کالاهای مشخصی مزیت مطلق دارند، سبب افزایش رفاه اقتصادی در هر دو کشور می‌شود. همچنین در نظریه مزیت نسبی «دیوید ریکاردو» اگر کشورها دارای مزیت نسبی نیز باشند، تجارت بین آنها به نفع اقتصادی هر دو کشور منجر خواهد شد، به شرطی که تجارت بین آنها آزاد باشد. «جان استوارت میل» و «دیوید هیوم» نیز به نقش تجارت در توسعه اقتصادی کشورها تأکید داشته‌اند.

هکشر- اوهلین نیز با گسترش مدل ریکاردو به این نکته اشاره نمود که تجارت نه تنها تولید و درآمد کشورها را افزایش می‌دهد، بلکه درآمد نیز می‌تواند سبب انباشت سرمایه شود. همچنین تجارت با کشورهای بزرگ اثرات خارجی نیز در پی خواهد داشت و کشورهای در حال توسعه می‌توانند از ابداعات فناوری و روش مدیریت این کشورها استفاده کنند. این نظریه، یک نقطه اتکا برای حامیان و طرفداران تجارت آزاد و نظریه عمومی آزادسازی تجاری محسوب می‌شود.

نظریات نئوکلاسیک نیز که هسته اصلی آنها مدل هکشر- اوهلین می‌باشد، گسترش تجارت و بازارهای جدید را به معنی تخصصی‌تر شدن تولید و تقسیم کار بهتر و افزایش درآمد می‌دانند. افزایش درآمد نیز به افزایش حجم پس‌انداز منجر شده و سبب افزایش نرخ انباشت سرمایه و

رشد اقتصادی می‌شود. گرچه تا قبل از دهه ۱۹۷۰، رشد اقتصادی برای سنجش میزان رفاه و توسعه، مبنا قرار داده می‌شد و از مساله فقر و نحوه توزیع درآمد با این فرض که با افزایش تولید ناخالص ملی، همه بهره‌مند خواهند شد و منافع این افزایش درآمد ملی به همه مردم می‌رسد، چشم‌پوشی می‌شد؛ اما در اواسط دهه ۱۹۷۰، مخالفت با این تفکر به اوج خود رسید، چرا که بسیاری از کشورها اگرچه اهداف رشد اقتصادی خود را تحقق بخشیدند، اما شرایط زندگی توده مردم و بخش‌های زیادی از آنها تغییر نکرده بود. به این ترتیب، بعضی از وظایف جدید توسعه مانند «توزیع مجدد رشد» و «رشد همراه با عدالت» مورد توجه اقتصاددانان توسعه قرارگرفت و مفاهیم اجتماعی و انسانی جایگاه ویژه خود را در تعاریف توسعه یافتند.

در گزارش توسعه انسانی سال ۱۹۹۶ که به بحث ارتباط رشد اقتصادی و توسعه انسانی می‌پردازد، آمده است: «به‌رغم رشد سریع اقتصادی در ۱۵ کشور طی سه دهه گذشته، تعداد ۱/۶ میلیارد نفر از مردم جهان فقیرتر شده‌اند و وضع زندگی شان بدتر از پانزده سال پیش شده است». گزارش توسعه انسانی در پیام محوری ۱۹۹۶ بیان می‌دارد که هیچ پیوند خودکاری میان رشد اقتصادی و توسعه انسانی وجود ندارد. اما هنگامی که این پیوندها از طریق سیاست‌گذاری و تصمیم آگاهانه برقرار شد، این دو متقابلاً بر هم تأثیر می‌گذارند و رشد اقتصادی به نحو مؤثر و سریعی به بهبود توسعه انسانی کمک خواهد کرد (حضار مقدم و همکاران، ۱۳۹۴).

در رویکرد توسعه انسانی تنها مصرف کالا و خدمات موجبات رفاه را فراهم نمی‌سازد، بلکه گسترش امکانات لازم از قبیل آموزش و بهداشت برای استفاده از قابلیت‌ها و استعدادها اجزای اصلی توسعه در نظر گرفته می‌شود. توسعه انسانی، اگرچه بر رشد ظرفیت‌های مادی در کنار پرورش ذهنی تأکید می‌کند، اما رشد اقتصادی را به عنوان ابزاری در خدمت زندگی بهتر انسان به شمار می‌آورد (اولین گزارش ملی توسعه انسانی^۱، ۱۹۹۰). از این رو، شکل دادن به قابلیت‌های انسانی از قبیل آزادی‌های سیاسی و مدنی، وضعیت آموزش، بهداشت و قدرت اقتصادی، باید به عنوان هدف اصلی جوامع توسعه نیافته مورد توجه قرارگیرد.

به همین دلیل است که در سنجش توسعه انسانی، بر سه معیار آموزش، درآمد و بهداشت تأکید شده است. آزادسازی تجاری به طور خودکار، به وجود آورنده توسعه نمی‌باشد. گسترش تجارت، نه رشد اقتصادی و نه توسعه اقتصادی را در بلندمدت تضمین نمی‌کند. مؤسسات و نهادهای داخلی و خارجی و شرایط اجتماعی نقش معناداری را ایفا می‌کنند (رودریک^۲، ۲۰۰۱).

در این راستا هدف اصلی این مقاله، بررسی میزان تأثیرگذاری آزاد سازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ و پاسخ به این سؤال است که آیا آزادسازی تجاری، بر شاخص توسعه انسانی تأثیرگذار است؟ ابزار گردآوری اطلاعات مورد نیاز بانک های اطلاعاتی از جمله بانک جهانی^۱، وبگاه بنیاد هریتیج^۲ به نشانی وبگاه مؤسسه فریزر^۳ و گزارشات سالیانه شاخص توسعه انسانی^۴ می باشد. جامعه آماری در این مقاله، گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط شامل آلبانی، ارمنستان، بوتان، السالوادور، بلغارستان، برزیل، کاستاریکا، کلمبیا، دومینیکن، مصر، گرجستان، هندوراس، هند، ایران، اردن، قزاقستان، قرقیزستان، مراکش، مکزیک، پاراگوئه، پرو، ترکیه، تایلند، اکراین و یمن می‌باشند.

در ادامه پس از بررسی مبانی نظری و پیشینه پژوهش، ساختار مدل مورد استفاده معرفی و برآورد می شود و در نهایت، نتیجه گیری و پیشنهادها ارائه می گردد.

۲. مبانی نظری

آزادسازی اقتصادی از میان برداشتن کلیه تخریب‌ها، محدودیت‌ها و سدهایی می‌باشد که معمولاً سیاست‌گذاران و اربابان سیاست طی زمان بر سر راه حرکت طبیعی متغیرهای کلان اقتصادی در بازارهای اقتصادی ایجاد می‌کنند. آزادسازی تجاری، به عنوان یکی از ارکان اصلی آزادسازی اقتصادی، ابزاری مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی کشورها می باشد. در دهه ۱۹۷۰ تعدادی از کشورهای در حال توسعه، تلاش‌های فراوانی در زمینه آزاد سازی اقتصادی‌شان از طریق انجام اصلاحاتی با هدف افزایش نقش بازار و کاهش موانع موجود در تجارت بین‌المللی و انتقال سرمایه انجام دادند (جعفری صمیمی و همکاران، ۱۳۸۸).

در این راستا از دیدگاه برخی اقتصاددانان، باز بودن تجاری به عملکرد اقتصادی بهتر و رشد سریع‌تر اقتصادی می‌انجامد. مطالعات تجربی فراوانی از این دیدگاه حمایت می‌کنند. آشکار است که آزادسازی، پیش‌نیاز انتقال از یک اقتصاد نسبتاً بسته به یک اقتصاد نسبتاً باز است (همان، ۱۳۸۸).

اجماع نظریات حوزه تجارت بین‌الملل نشان می‌دهد که تجارت، سبب رشد و توسعه اقتصادی کشورها می‌گردد و رشد اقتصادی نیز به نوبه خود سبب بهبود توسعه انسانی می‌شود. بخش بیشتری از اثرات رشد اقتصادی بر توسعه انسانی از طریق مخارج بودجه‌ای دولت (مرکزی یا محلی) تحقق می‌یابد. به عبارت دیگر، عمق این تأثیرات و اینکه در چه قسمت‌هایی

1. World bank

2. www.heritage.org

3. www.freetheworld.com

4. United Nations Development Programme

و با چه هدفی صرف شود، به هدف‌گذاری و کارآیی مخارج دولت بستگی دارد. برای این منظور، دولت بایستی بخش‌هایی را که در اولویت قرار دارند، شناسایی کند. برای مثال، آموزش ابتدایی و بهداشت، پتانسیل‌های بالایی را برای بهبود توسعه انسانی دارا هستند. از طرف دیگر، مخارج بایستی به طور خاص برای افراد کم درآمد هزینه شده باشد.

اثر تجارت بر شاخص توسعه انسانی را می‌توان به اثرات مستقیم و غیرمستقیم طبقه بندی نمود. اثرات مستقیم، همان افزایش درآمد ناشی از افزایش تجارت است که به نوبه خود می‌تواند به بهبودهای بعدی در توسعه انسانی منجر شود. اثرات غیرمستقیم نیز، از طریق گسترش تعاملات فرهنگی و گسترش تنوع کالاهای در دسترس مصرف‌کنندگان می‌باشد. تجارت، انواع جدیدی از کالاها و خدمات را روانه بازارهای داخلی می‌کند که شامل تجهیزات پزشکی و بهداشتی نیز می‌باشد. این عوامل سلامتی، تغذیه و طول عمر افراد یک کشور را افزایش داده که سبب بهبود شاخص توسعه انسانی می‌شود (دیویس و کوین لیوان^۱، ۲۰۰۶).

تجارت، رقابت بین بنگاه‌های داخلی و خارجی را افزایش می‌دهد. لازمه افزایش توان رقابتی، بهبود کیفیت و کارآیی تولیدات است که غالباً از کانال ارتقاء فناوری و تکنولوژی تولید صورت می‌پذیرد. این ارتقاء نیز به نوبه خود، سبب کاهش هزینه‌های تولید می‌شود. بدین ترتیب، علاوه بر افزایش کمیت و کیفیت تولید، تنوع تولیدات نیز افزایش یافته و مصرف‌کننده می‌تواند کالاها را در قیمت پایین‌تری خریداری نماید. همچنین تجارت، موجب افزایش انگیزه افراد در بهبود مهارت و تخصص شده و نتیجتاً سطح استاندارد آموزشی را بهبود می‌بخشد. همچنین تجارت عامل بالقوه‌ای در کاهش فقر است. مطالعات در کشورهای آسیای شرقی و پاسیفیک نشان می‌دهد که تجارت، فقر را کاهش می‌دهد و وضعیت بهداشتی و سلامتی افراد را از طریق ایجاد اشتغال و افزایش درآمد و دسترسی بهتر به تجهیزات پزشکی و بهداشتی افزایش می‌دهد. همچنین تجارت با بهبود درآمدها بر سطح زندگی افراد و بهبود آن اثرگذار است. افزایش درآمد به نوبه خود، فرصت‌های آموزشی و مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی بهتری را موجب شده و به عرضه خدمات اجتماعی مطلوب‌تری از طرف دولت منجر می‌گردد. اثر تجارت بر شاخص توسعه انسانی در مواردی، اثری منفی و بازدارنده است. بنگاه‌ها و محصولات داخلی که به واسطه تجارت در معرض رقابت با رقبای خارجی قرار می‌گیرند، بویژه در کشورهای فقیر، قادر به مقاومت نخواهند بود و امرار معاش افراد شاغل در این بخش‌ها با تهدید جدی روبه‌رو می‌شود. از سوی دیگر، آزادسازی تجاری و گسترش تجارت، درآمدهای مالیاتی دولت و تعرفه‌های گمرکی را به مقدار قابل توجهی کاهش می‌دهد. کاهش درآمد دولت نیز بر کیفیت و کمیت ارائه خدمات عمومی دولتی مانند آموزش و بهداشت، اثری کاهنده

داشته و در کل، شاخص توسعه انسانی کاهش می‌یابد. همچنین گسترش تجارت و رشد سریع اقتصادی، می‌تواند اثرات منفی بر محیط‌زیست داشته باشد. در توضیح این اثرات سوء می‌توان گفت، با گسترش تجارت بنگاه‌ها در راستای کاهش قیمت تمام شده تولیدات خود، از فناوری‌هایی که کمتر مواد خام و طبیعی را در امر تولید به کار می‌گیرند، بهره می‌برند. گسترش تجارت در بلندمدت رشد و توسعه اقتصادی را تضمین نمی‌کند. مؤسسات و نهادهای داخلی و خارجی و شرایط اجتماعی، نقش معناداری را در اینکه یک کشور و یا گروهی از مردم، مزیت‌ها و منافعی از تجارت به دست آورند و نیز میزان این مزایا و منافع، ایفا می‌کنند. تقویت اثرات مثبت و تعدیل اثرات منفی، به سیاست‌های دولت و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران هر کشور بستگی دارد. دولت‌ها می‌باید قبل از گسترش تجارت، ظرفیت‌های داخل کشور را برای ورود موفقیت آمیز به عرصه تجارت توسعه داده و کیفیت و رقابت پذیری تولیدات و نیروی کار داخلی را ارتقا دهند. دولت‌ها می‌توانند برای جبران کاهش درآمدهای دولت، مالیات‌های جدیدی مانند مالیات بر ارزش افزوده را پایه‌گذاری نمایند (رودریک^۱، ۲۰۰۱). در این راستا افراد و نهادهای مختلف، اقدام به تعریف و محاسبه شاخص آزاد سازی تجاری به عنوان یکی از زیر شاخص‌های آزادی اقتصادی نموده‌اند. از آن جمله می‌توان به مؤسسه فریزر^۲ و بنیاد هریتج^۳ اشاره داشت (احمدیان، ۱۳۹۰).

۳. سابقه پژوهش

حضار مقدم و همکاران (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای تحت عنوان «اثر جهانی شدن بر شاخص‌های سلامت»، به بررسی اثر جهانی شدن بر شاخص‌های سلامت در ۱۴۴ کشور در حال توسعه پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات تصادفی) در دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۷۰، نشان داد که جهانی شدن، به بهبود شاخص‌های سلامت (نرخ مرگ و میر کودکان، متوسط امید به زندگی و ...) منجر می‌گردد. همچنین مؤلفه‌های اجتماعی جهانی شدن، اثر بیشتری بر سلامت جامعه دارند.

میرباقری هیر و همکاران (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو منا»، به بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی پرداختند. نتایج با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰، نشان داد که تجارت، تأثیر مثبت و معناداری بر توسعه انسانی دارد. همچنین مخارج آموزشی، مخارج بخش سلامت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارند.

علیخانی و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی شاخص توسعه انسانی در ایران و گروه کشورهای منتخب»، سعی در تعیین وضعیت شاخص توسعه انسانی در ایران و کشورهای منطقه نمودند. نتایج نشان داد که در شاخص توسعه انسانی ایران در بین کشورهای منطقه، رتبه دوازدهم می‌باشد. همچنین مدیران و کارکنان بخش بهداشت و درمان، با نقش کلیدی خود در بهبود شاخص‌های بهداشتی، سهم عمده‌ای در توسعه انسانی و ارتقای جایگاه ایران در رتبه‌بندی جهانی و منطقه‌ای داشته‌اند.

کاوسی و احمدی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان «جهانی‌شدن و توسعه منابع انسانی (مقایسه تطبیقی ۶۲ کشور جهان)»، ضمن معرفی شاخص توسعه انسانی و مؤلفه‌های آن و با توجه به اطلاعات آماری، به رتبه‌بندی کشورها از لحاظ شاخص جهانی شدن و شاخص توسعه انسانی پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباط تنگاتنگی بین شاخص جهانی شدن و توسعه منابع انسانی وجود دارد و هر میزان که کشورها در جهت جهانی شدن گام بردارند، در توسعه منابع انسانی نیز موفق‌تر خواهند شد.

جعفری صمیمی و همکاران (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران»، به بررسی تأثیر آزادسازی تجاری و توسعه مالی بر رشد اقتصادی در ایران پرداختند. نتایج با استفاده از روش خود رگرسیونی با وقفه‌های توزیعی در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۲، نشان داد که تأثیر آزادسازی تجاری و توسعه مالی بر تولید ناخالص داخلی، مثبت و معنی‌دار می‌باشد.

آصف زاده و پیری (۱۳۸۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «مفاهیم توسعه انسانی و روند شاخص توسعه انسانی در ایران»، ضمن بررسی روند این شاخص دریافتند که اگر چه شاخص توسعه انسانی در ایران روند رو به رشدی داشته است، اما با توجه به این که ارزش شاخص‌های طول عمر، دانش و سطح زندگی هر کشور، با توجه به بیشترین و کمترین طول عمر، دانش و درآمد کشورها تعیین می‌شود و شاخص توسعه انسانی رتبه هر کشور را نسبت به کشورهای دیگر در سالی معین نشان می‌دهد، ممکن است طول عمر، دانش و درآمد در کشوری افزایش یابد، در حالی که سایر زیرشاخص‌ها با روندی کاهشی و نزولی مواجه شده باشند.

تورن و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «فناوری اطلاعات و ارتباطات ملی، آزادی اقتصادی و توسعه انسانی»، به بررسی اثر فناوری اطلاعات و ارتباطات و آزادی اقتصادی بر شاخص توسعه انسانی در دو گروه کشور توسعه یافته و در حال توسعه، در دوره زمانی ۵۰ ساله پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات ثابت) نشان داد فناوری اطلاعات و ارتباطات در هر دو گروه کشورها، رابطه مثبت و معناداری با آموزش و بهداشت (امید به زندگی) دارد و منجر به بهبود شاخص توسعه انسانی می‌گردد. همچنین ارتباط آزادی اقتصادی

با شاخص توسعه انسانی نیز مثبت و معنادار می‌باشد و در کشورهایی با درجه آزادی اقتصادی بالاتر، درآمد و تولید بیشتر منجر به رفاه بیشتر می‌گردد.

روبرتز و مارگولیز^۱ (۲۰۱۶)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «چگونه می‌توان آزادسازی اقتصادی را در آرژانتین ترمیم کرد»، نشان می‌دهند کشور آرژانتین در رتبه ۱۶۹، در بین ۱۷۸ کشور به لحاظ شاخص آزادسازی تجاری قرار دارد. این وضعیت وخیم از کاهش کلیه زیر شاخص‌های شاخص آزاد سازی تجاری، از جمله کنترل مخارج دولت و آزادی کسب و کار، ناشی شده است. مخالفت رییس جمهور وقت با بازار آزاد، سبب دخالت دولت و رشد فزاینده اقتصاد رسمی فاسد و رکود در بخش‌های غیررسمی اقتصاد شده است. در این میان، اصلاح نگرش‌ها و ترمیم دیدگاه‌های قبلی، موجبات ترمیم وضعیت آزادسازی تجاری را فراهم خواهد آورد.

گئورگیون^۲ (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «آزادی اقتصادی و شاخص توسعه انسانی»، به بررسی چگونگی تأثیرگذاری آزادی اقتصادی بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب اتحادیه اروپا، ژاپن و آمریکا پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات تصادفی) در دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰، نشان داد که ارتباط مثبت و معنی‌دار میان آزادی اقتصادی و شاخص توسعه انسانی وجود دارد. آزادی اقتصادی با ایجاد کارآفرینی، بهبود آموزش و پرورش، درآمد را افزایش می‌دهد و با افزایش رفاه، شاخص توسعه انسانی ارتقاء می‌دهد.

جادون و همکاران^۳ (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «آزادسازی تجاری، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی»، به بررسی رابطه آزادسازی تجاری، سرمایه انسانی و رشد اقتصادی در دو گروه کشورهای آسیایی توسعه یافته و در حال توسعه پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات تصادفی) در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۱، نشان داد که در هر دو گروه کشورها، ارتباط مستقیمی میان آزادسازی تجاری و سرمایه انسانی وجود دارد؛ اما به دلیل وجود نیروی کار آموزش دیده و متخصص در کشورهای توسعه یافته، معناداری رابطه آزادسازی تجاری و سرمایه انسانی، تنها در کشورهای توسعه یافته تحقق یافته است.

ساپکوتا^۴ (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «دسترسی به زیرساخت‌ها و توسعه انسانی»، به بررسی و ارزیابی اثر متغیرهای زیرساختی (دسترسی به برق، منابع آب آشامیدنی و ارتباطات جاده‌ای)، بر شاخص توسعه انسانی (بهداشت، آموزش و درآمد)، با استفاده از داده‌های پانل و روش گشتاورهای تعمیم یافته، در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ در ۹۱ کشور در حال توسعه پرداختند. نتایج نشان داد که هر سه متغیر زیرساخت، اثرات مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی دارند.

1. Roberts & Margulies

2. Georgiou

3. Jadoon *et al.*

4. Sapkota

برگ و نیلسون^۱ (۲۰۱۴)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «جهانی‌شدن و فقر»، به بررسی ارتباط بین فقر و جهانی شدن پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات ثابت) و به کارگیری داده‌های ۱۱۴ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۷-۱۹۸۳، نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین جهانی شدن و فقر وجود دارد.

رزمی و یاوری^۲ (۲۰۱۲)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثر باز بودن تجارت بر توسعه انسانی»، به بررسی ارتباط بین باز بودن تجارت بر توسعه انسانی در ۱۱ کشور در حال توسعه نفتی، در دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۸ و به روش پانل دیتا (اثرات تصادفی) پرداختند. نتایج نشان داد، درجه باز بودن تجاری، دارای اثر مثبت و معناداری بر شاخص امید به زندگی و آموزش است.

افیوم و همکاران^۳ (۲۰۱۱)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «بررسی اثر آزاد سازی تجاری بر سرمایه انسانی»، به بررسی ارتباط آزاد سازی تجاری و سرمایه انسانی در کشور نیجریه پرداختند. نتایج با استفاده از روش پانل دیتا (اثرات ثابت) در دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۹۷، نشان داد که اثر آزاد سازی تجاری بر سرمایه انسانی معنادار، اما ناچیز است.

ایالا^۴ (۲۰۰۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان «توسعه نیافتگی اقتصادی و توسعه پایدار در جهان»، به بررسی عوامل و مشکلات توسعه پرداخت. در این مطالعه، اثر دو شاخص امید به زندگی و نرخ بی سوادگی از شاخص توسعه انسانی سازمان ملل متحد، بر درآمد سرانه در ۳۳ کشور در دوره زمانی ۱۹۹۸-۱۹۸۸، آزمون شده است. نتایج نشان داد که با افزایش امید به زندگی و کاهش نرخ بی سوادگی، درآمد سرانه افزایش می‌یابد.

۴. تصریح مدل و روش برآورد

در این مقاله، با استفاده از مبانی نظری و مطالعات تورن و همکاران^۵ (۲۰۱۶)، گئورگیون^۶ (۲۰۱۵)، برای بررسی میزان تأثیرگذاری آزاد سازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب با تعدیلاتی از مدل‌های (۱) و (۲)، و از اطلاعات آماری شاخص آزاد سازی تجاری ارائه شده توسط بنیاد هریتیج و مؤسسه فریزر استفاده به عمل آمده، و میزان تأثیرگذاری آزاد سازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در دو مدل جداگانه، بررسی شده است.

$$HDI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1(FTRADEFRAZ)_{i,t} + \beta_2(EMPLOY)_{i,t} + \beta_3(GOVEFFECT)_{i,t} + \beta_4(INTERNUSE)_{i,t} + \beta_5(HEALTHEXP)_{i,t} + \beta_6(INF)_{i,t} + U_{i,t}$$

(۱)

1. Berg & Nilson
2. Razmi & Yavari
3. Effiom *et al.*
4. Ayala
5. Turen *et al.*
6. Georgion

$$HDI_{i,t} = \beta_0 + \beta_1(FTRADEHERIT)_{i,t} + \beta_2(EMPLOY)_{i,t} + \beta_3(GOVEFFECT)_{i,t} + \beta_4(INTERNETUSE)_{i,t} + \beta_5(HEALTHEXP)_{i,t} + \beta_6(INF)_{i,t} + U_{i,t} \quad (2)$$

در این معادلات، HDI شاخص توسعه انسانی، $FTRADEFRAZ$ شاخص آزادی تجاری مؤسسه فریزر، $FTRADEHERIT$ شاخص آزادی تجاری بنیاد هریتیج، $EMPLOY$ نسبت شاغلین به جمعیت بالای ۱۵ سال، $INTERNETUSE$ ضریب نفوذ اینترنت به عنوان شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات، $HEALTHEXP$ مخارج بهداشتی، INF نرخ تورم، U جمله خطای معادله، ti نشان‌دهنده کشور و زمان و $GOVEFFECT$ اثربخشی دولت می‌باشند. در این راستا اثر بخشی دولت کارآمدی دولت را در انجام وظایف محوله نشان می‌دهد و کیفیت خدمات عمومی دولت، اجرای قوانین، اعتبار و تعهدات دولت را ارزیابی می‌نماید (پتانلار و همکاران، ۱۳۹۴). فاکتورهای زیادی را می‌توان برای ارزیابی اثربخشی دولت‌ها مطرح نمود. بانک جهانی، اثربخشی دولت را اندازه‌گیری دقیق کیفیت خدمات عمومی^۹، کیفیت بورکراسی^{۱۰}، مصون بودن حوزه خدمات کشوری از فشارهای سیاسی^{۱۱}، کیفیت تنظیم و اجرای سیاست و اعتبار تعهدات دولت در قبال سیاست‌ها^{۱۲} تعریف نموده است. هدف اثربخشی دولت، برداشتن موانع توسعه از طریق فراهم کردن رشد اقتصادی، اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و توزیع عادلانه درآمد می‌باشد (لونی^{۱۳}، ۲۰۰۷). به منظور تخمین معادله‌های رگرسیونی ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین ابتدا برای تعیین وجود(عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورهای از آماره F لیمر استفاده شد. با توجه به میزان آماره F لیمر محاسبه شده در جدول (۲) فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود. در نتیجه رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی) دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون این که مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن به صورت زیر استفاده گردید:

-
1. Human Development Index
 2. Freedom to trade internationally
 3. Trade freedom (Heritage)
 4. Employment to population ratio, 15+, total (%) (modeled ILO estimate)
 5. Internet users (per 100 people)
 6. Health expenditure, total (% of GDP).
 7. Inflation, consumer prices (annual %)
 8. Government effectiveness
 9. The quality of public service provision
 10. The quality of the bureaucracy
 11. The independence of the civil service from political pressures
 12. The credibility of Government's commitment to policies
 13. Looney

$$\begin{cases} H_0: \text{Random Effects} \\ H_1: \text{Fixed Effects} \end{cases}$$

$$H \equiv n \hat{q}' (A \text{var}(\hat{q}))^{-1} \hat{q}$$

که در آن \hat{q} : تفاضل ضرایب برآورد شده برای متغیرهای توضیحی لحاظ شده در روش اثرات

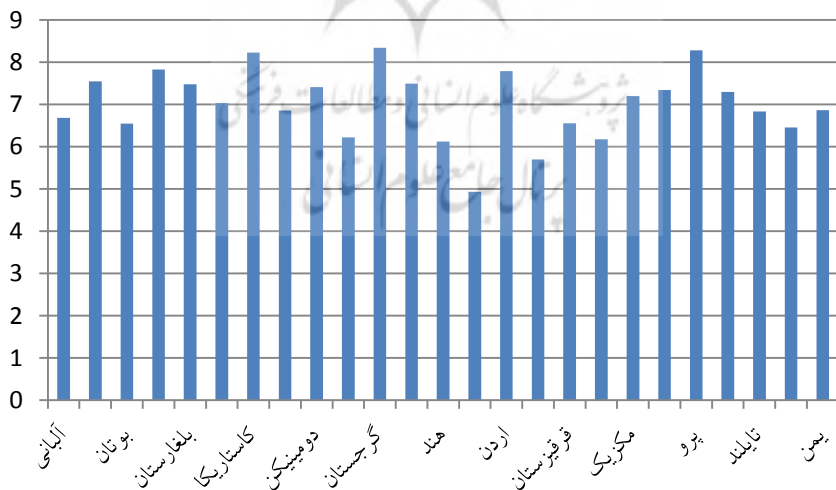
$$\text{ثابت و تصادفی} \quad (\hat{q} = \hat{\beta}_{FE} - \hat{\beta}_{RE})$$

$$A \text{var}(\hat{q}): \text{واریانس مجانبی } \hat{q} \text{ و } n: \text{تعداد مشاهدات}$$

فرضیه صفر این است که تخمین‌زن‌های مدل اثرات تصادفی و اثرات ثابت به طور اساسی تفاوتی با یکدیگر ندارند. اگر فرضیه صفر رد شود روش اثرات تصادفی مناسب نیست و بهتر است از روش اثرات ثابت استفاده شود. آماره هاسمن دارای توزیع کای-دو با درجه آزادی برابر تعداد ضرایب تخمین زده شده در مدل می باشد. اگر آماره محاسبه شده در سطح احتمال معین از توزیع کای-دو جدول بزرگتر باشد در این صورت فرضیه صفر رد می‌شود.

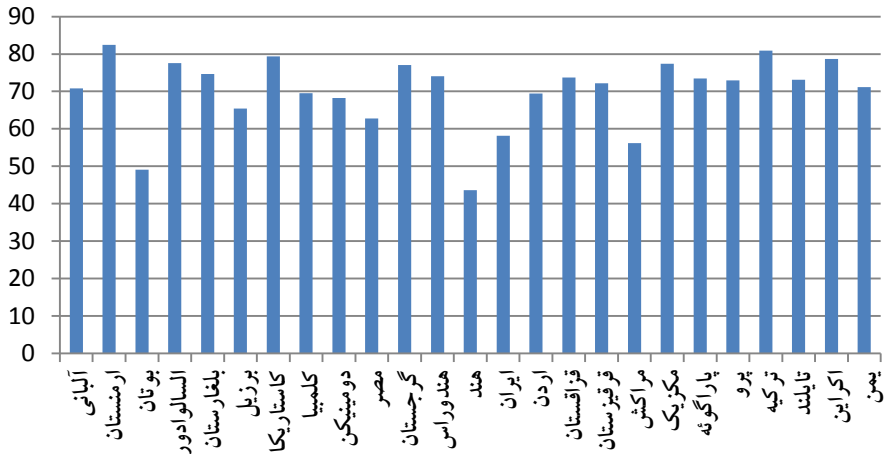
۵. حقایق آماری

در نمودارهای (۱)، (۲) و (۳) میانگین شاخص آزادسازی تجاری و شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰، آمده است.



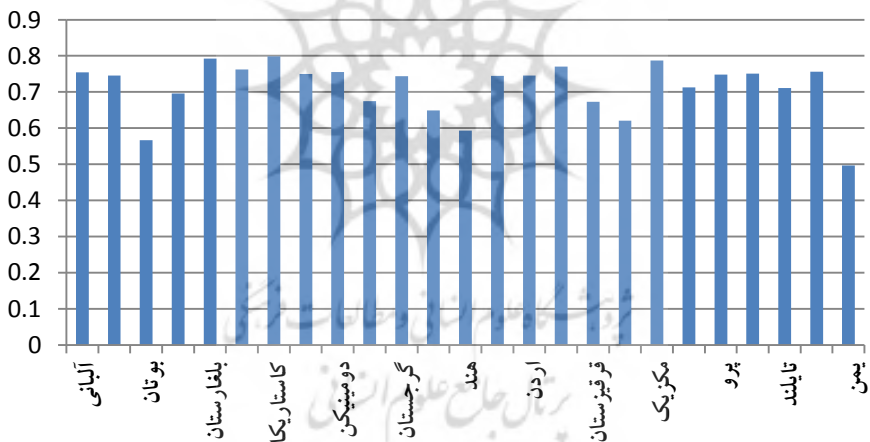
نمودار ۱. میانگین آزادسازی تجاری از دیدگاه مؤسسه فریزر در گروه کشورهای منتخب

منبع: گزارشات سالیانه بنیاد فریزر و محاسبات تحقیق



نمودار ۲. میانگین آزادسازی تجاری از دیدگاه بنیاد هریتیج در گروه کشورهای منتخب

منبع: گزارشات سالیانه بنیاد هریتیج و محاسبات تحقیق



نمودار ۳. میانگین شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب

منبع: گزارشات سالیانه UNDP

میانگین شاخص آزادسازی تجاری از دیدگاه مؤسسه فریز، بنیاد هرینیچ و شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰، در نمودارهای (۱)، (۲) و (۳)، ملاحظه می‌شود:

- بر اساس اطلاعات آماری بنیاد هرینیچ، کشورهای گرجستان و ایران به ترتیب، بیشترین و کمترین مقدار شاخص آزادسازی تجاری را در میان ۲۵ کشور منتخب دارا می‌باشند.

- براساس اطلاعات آماری بنیاد فریزر، کشورهای ارمنستان و هند به ترتیب، بیشترین و کمترین مقدار شاخص آزادسازی تجاری را در میان ۲۵ کشور منتخب دارا می‌باشند. کشور ایران رتبه بیست و دوم را در میان ۲۵ کشور منتخب دارا می‌باشد.
- کشورهای کاستاریکا و یمن به ترتیب، بیشترین و کمترین مقدار شاخص توسعه انسانی را دارا می‌باشند. کشور ایران رتبه چهاردهم را در میان ۲۵ کشورهای منتخب دارا می‌باشد.

۶. برآورد مدل

جهت بررسی مانایی یا نامانایی متغیرها در این مقاله، از آزمون ریشه واحد پانل^۱ استفاده گردیده که نتایج حاصل از آزمون لوین، لین و چو^۲ برای متغیرهای مورد استفاده در این مقاله، در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱. بررسی مانایی متغیرها در گروه کشورهای منتخب

نتیجه	آماره t ($P - \nabla$ value)	آزمون ریشه واحد	متغیر
مانا - I(0)	-۴,۸۰۹۵۷ (۰,۰۰۰۰)	Levin, Lin & Chu t*	HDI
مانا - I(0)	-۶,۹۵۰۷۳ (۰,۰۰۰۰)	Levin, Lin & Chu t*	FTRADEFRAZ
مانا - I(0)	-۱,۹۶۰۷۹ (۰,۰۲۵۰)	Levin, Lin & Chu t*	FTRADEHERIT
مانا - I(0)	-۳,۸۸۵۶۸ (۰,۰۰۰۱)	Levin, Lin & Chu t*	EMPLOY
مانا - I(0)	-۲,۷۸۰۶۰ (۰,۰۰۲۷)	Levin, Lin & Chu t*	GOVEFFECT
مانا - I(0)	-۲,۱۶۹۷۸ (۰,۰۱۵۰)	Levin, Lin & Chu t*	INTERNETUSE
مانا - I(0)	-۷,۲۳۹۹۹ (۰,۰۰۰۰)	Levin, Lin & Chu t*	HEALTHEXP
مانا - I(0)	-۸,۹۴۲۶۶ (۰,۰۰۰۰)	Levin, Lin & Chu t*	INF

منبع: محاسبات محقق

همان‌طور که در جدول (۱) مشاهده می‌شود، بر اساس آماره لوین، لین و چو، شاخص توسعه انسانی، شاخص آزادی تجاری مؤسسه فریزر، شاخص آزادی تجاری بنیاد هریتیج، نسبت شاغلان به جمعیت بالای ۱۵ سال، اثربخشی دولت، ضریب نفوذ اینترنت به عنوان شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات، مخارج بهداشتی و نرخ تورم در سطح مانا هستند. بنابراین فرضیه صفر مبنی بر

1. Panel Unit Root test
2. Levin, Lin & Chu

وجود ریشه واحد، رد می‌شود. در نتیجه، پایداری داده‌های مورد استفاده در این مقاله، قبل از برآورد مدل مورد تأیید واقع می‌شوند. به منظور تخمین معادله های (۱) و (۲)، ابتدا لازم است تا نوع روش تخمین جهت نوع خاص داده‌های پانل تعیین شود. بنابراین، ابتدا برای تعیین وجود (عدم وجود) عرض از مبدأ جداگانه برای هر یک از کشورها از آماره F لیمر استفاده شد. با توجه به میزان آماره F محاسبه شده در جدول (۲)، فرضیه صفر آزمون مبنی بر استفاده از روش حداقل مربعات معمولی رد می‌شود. در نتیجه، رگرسیون مقید (حداقل مربعات معمولی)، دارای اعتبار نمی‌باشد و باید عرض از مبدأهای مختلفی (روش اثرات ثابت یا تصادفی) را در مدل لحاظ نمود. سپس برای آزمون اینکه مدل با بهره‌گیری از روش اثرات ثابت یا تصادفی برآورد گردد، از آزمون هاسمن استفاده شد. انجام این آزمون با استفاده از نرم‌افزار EVEIWS انجام گرفت. با توجه به میزان آماره χ^2 به دست آمده در جدول (۲) روش اثرات ثابت در تخمین مدل‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که نتایج مربوط به آنها در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): تاثیر آزادسازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی
در گروه کشورهای منتخب در آمد متوسط به روش اثرات ثابت

(متغیر وابسته: شاخص توسعه انسانی)

معادله رگرسیونی (۲)		معادله رگرسیونی (۱)		متغیرهای توضیحی
آماره t {p-value}	ضرایب	آماره t {p-value}	ضرایب	
۱۵,۴۶۸۷۳ (۰,۰۰۰۰)	۰,۴۲۸۳۳۴	۱۸,۳۷۲۳۴ (۰,۰۰۰۰)	۰,۵۳۱۸۹۷	C
-	-	۲,۱۴۰۶۲۳ (۰,۰۳۳۲)	۰,۰۰۷۶۹۰	FTRADEFRAZ
۶,۷۶۸۶۵۸ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۱۸۵۶	-	-	FTRADEHERIT
۳,۱۸۹۶۴۲ (۰,۰۰۱۶)	۰,۰۰۰۰۹۶	۲,۳۲۲۲۲۶ (۰,۰۲۱۰)	۰,۰۰۰۷۰۶	EMPLOY
۴,۴۵۶۳۲۵ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۳۶۰۷۴	۲,۷۴۷۳۶۵ (۰,۰۰۶۴)	۰,۰۲۲۰۲۲	GOVEFFECT
۸,۷۸۸۰۳۸ (0.0000) (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۳۰۴۱	۶,۴۰۵۱۲۲۶ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۳۰۳۳	INTERNETUSE
۲,۷۷۱۴۰۸ (۰,۰۰۵۹)	۰,۰۰۵۵۳۸	۳,۲۵۳۰۶۰ (۰,۰۰۱۳)	۰,۰۰۴۷۱	HEALTHEXP
۴,۶۳۹۰۹۴ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۲۳۶۷	۴,۹۸۵۸۹۲ (۰,۰۰۰۰)	۰,۰۰۲۱۰۳	INF
۰,۵۴۱۷۳۶		۰,۵۰۰۶۴۸		R-squared
P-value= (۰,۰۰۰۰) F=(۱۳,۳۱۹) ۲۱,۷۷۸۴۲۰		P-value= (۰,۰۰۰۰) F=(۱۲,۲۷۱) ۱۷,۳۹۷۷۹۶		آماره F
P-value= (۰,۰۰۰۰) CHISQ(۶)=۲۰۰,۱۷۲۶۰۳		P-value= (۰,۰۰۰۰) CHISQ(۶)=۱۲۳,۸۶۶۳۵۸		آماره هاسمن

مأخذ: محاسبات تحقیق

نتایج حاصل از برآورد مدل های (۱) و (۲) در گروه کشورهای منتخب به روش اثرات ثابت در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰، در جدول (۲) نشان می‌دهد:

- شاخص آزادسازی تجاری ارائه شده توسط مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. بنابراین فرضیه مربوط به ارتباط مثبت و معنادار میان آزاد سازی تجاری و شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب را نمی‌توان رد کرد.
- نسبت شاغلان به جمعیت بالای ۱۵ سال، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. با افزایش اشتغال بر میزان تولید ناخالص داخلی افزوده شده و در نتیجه، شاخص توسعه انسانی بهبود می‌یابد.
- اثربخشی دولت، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. اثر بخشی دولت، کارآمدی دولت را در انجام وظایف محوله نشان می‌دهد و کیفیت خدمات عمومی دولت، اجرای قوانین، اعتبار و تعهدات دولت را ارزیابی می‌نماید (کریمی پتانلار و همکاران، ۱۳۹۴). فاکتورهای زیادی را می‌توان برای ارزیابی اثربخشی دولت‌ها مطرح نمود. بانک جهانی، اثربخشی دولت را اندازه‌گیری دقیق کیفیت خدمات عمومی^۱، کیفیت بورکراسی^۲، مصون بودن حوزه خدمات کشوری از فشارهای سیاسی^۳، کیفیت تنظیم و اجرای سیاست و اعتبار تعهدات دولت در قبال سیاست‌ها^۴ تعریف نموده است. هدف اثربخشی دولت، برداشتن موانع توسعه از طریق فراهم کردن رشد اقتصادی، اشتغال کامل، ثبات قیمت‌ها و توزیع عادلانه درآمد می‌باشد (لونی^۵، ۲۰۰۷).
- ضریب نفوذ اینترنت به عنوان شاخص فناوری اطلاعات و ارتباطات، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. فناوری اطلاعات و ارتباطات با تأثیرگذاری بر رشد اقتصادی و بهره‌وری، موجب بهبود شاخص توسعه انسانی می‌شود.
- مخارج بهداشتی، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. سلامت، اثر مستقیمی بر کارآیی و بهره‌وری نیروی کار دارد و زمینه بهبود توسعه انسانی را فراهم می‌سازد.
- تورم، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. تورم از طریق تأثیرگذاری بر تولید بر توسعه انسانی اثرگذار است. با توجه به مبانی

1. The quality of public service provision
2. The quality of the bureaucracy
3. The independence of the civil service from political pressures
4. The credibility of Government's commitment to policies
5. Looney

مدل‌های رشد اقتصادی (با تأکید بر نقش تورم) و مکاتب اقتصادی، دیدگاه‌های متفاوت و گاه متعارضی در خصوص رابطه تورم و رشد تولید بیان شده است. بر اساس نظر کینزین‌ها، به واسطه عدم انعطاف‌پذیری کامل دستمزدها در کوتاه‌مدت، سیاست پولی می‌تواند سطح تولید را تغییر دهد. در واقع، چون دستمزدهای اسمی انعطاف کمی دارند، افزایش حجم پول (نقدینگی) سبب افزایش سطح قیمت‌ها، کاهش میزان دستمزدهای حقیقی و به تبع آن، افزایش سطح اشتغال و تولید می‌شود. با این وجود در الگوهای نئوکینزی، سیاست‌های انبساطی پولی در بلندمدت، اثری بر سطح تولید ندارد و فقط به افزایش سطح قیمت‌ها منجر می‌شود. بر اساس نظریه پول‌گرایان سنتی نیز افزایش عرضه پول با اعمال سیاست پولی انبساطی در کوتاه‌مدت می‌تواند سطح تولید را افزایش دهد؛ ولی در بلندمدت، اقتصاد به حالت تعادل اولیه باز می‌گردد و آثار افزایش عرضه پول فقط در افزایش قیمت‌ها منعکس می‌شود. در مکتب پول‌گرایان جدید (فریدمن و ...)، وجود انتظارات تطبیقی در کوتاه‌مدت سبب ایجاد ارتباط مثبت میان تورم و رشد اقتصادی می‌شود، ولی در بلندمدت ارتباطی بین این دو متغیر وجود ندارد. ساختارگرایان با بیان خصوصیات اقتصاد کشورهای در حال توسعه، از جمله چسبندگی و کشش‌ناپذیری‌های مختلف اقتصاد این کشورها، اعتقاد به وجود رابطه مثبت میان تورم و رشد، حداقل تا نرخ معینی از تورم را دارند (دادگر و همکاران، ۱۳۸۵).

- مقدار ضریب تعیین در مدل‌ها، نشان می‌دهد که بیش از پنجاه درصد از تغییرات شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده شده است.

۷. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف اصلی این مقاله، بررسی میزان تأثیرگذاری آزادسازی تجاری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ بود. نتایج حاصل از برآورد مدل‌ها در گروه کشورهای منتخب به روش اثرات ثابت در دوره زمانی ۲۰۱۵-۲۰۰۰ نشان داد که شاخص آزادسازی تجاری ارائه شده توسط مؤسسه فریزر و بنیاد هریتیج، تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. گسترش تجارت، سبب تخصصی‌شدن تولید، تقسیم کار بهتر و افزایش درآمد می‌شود. افزایش درآمد، به فرصت‌های آموزشی، مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی بهتری منجر می‌گردد و سبب عرضه خدمات اجتماعی مطلوب‌تری از سوی دولت‌ها می‌شود. همچنین گسترش تجارت سبب گسترش تعاملات فرهنگی و گسترش تنوع کالاهای در دسترس مصرف‌کنندگان می‌شود. تجارت انواع جدیدی از کالاها و خدمات را روانه بازارهای داخلی می‌کند که شامل تجهیزات پزشکی و بهداشتی نیز می‌باشد. این عوامل سلامتی، تغذیه و طول عمر افراد را افزایش داده و

از این طریق سبب بهبود شاخص توسعه انسانی می‌شود (دیویس و کوین لیوان، ۲۰۰۵). آزادسازی تجاری، همچنین رقابت بین بنگاه‌های داخلی و خارجی را افزایش داده و با افزایش کیفیت و کارایی تولیدات، توان رقابت‌پذیری تولیدات را افزایش می‌دهد. بهبود فناوری‌های تولیدی سبب کاهش هزینه‌های تولید می‌گردد. علاوه بر افزایش کمیت و کیفیت تولید، تنوع تولیدات نیز افزایش یافته و مصرف‌کننده می‌تواند کالاها را در قیمت‌های پایین‌تری خریداری کند (سجادی، ۱۳۸۲).

سایر نتایج نشان داد که اشتغال، اثربخشی دولت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، مخارج بهداشتی و تورم تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی در گروه کشورهای منتخب دارد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در چهارچوب این مطالعه می‌توان پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه نمود:

- فراهم کردن زمینه‌های حضور مؤسسات مالی و تجاری خارجی در داخل کشورهای در حال توسعه از کانال اصلاح قوانین و مقررات داخلی به منظور رفع ممنوعیت‌های ورود مؤسسات مالی خارجی در کشورهای در حال توسعه؛
- تسهیل فضای کسب و کار از طریق ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری و برقراری مشوق‌های کارآمد برای جذب سرمایه‌گذاران خارجی؛
- ارتقاء فناوری در تطبیق با فناوری روز جهانی، به‌منظور ارتقاء کیفیت و کاهش هزینه‌های تولید؛
- افزایش سهم بودجه آموزش و سلامت به منظور ارتقاء بهره‌وری و کارایی منابع انسانی و بهبود امید به زندگی؛
- مقررات‌زدایی در زمینه صادرات و واردات.

منابع

- احمدیان، مریم. (۱۳۹۰). بررسی و نقد شاخص‌های جهانی آزادی اقتصادی. دفتر مطالعات محیط کسب و کار: ۳۶-۱.
- آصف زاده، سعید و پیری، زکیه. (۱۳۸۳). مفاهیم توسعه انسانی و روند شاخص توسعه انسانی در ایران. *دو فصلنامه طب جنوب*، سال ۷، شماره ۲: ۲۳-۱.
- کریمی پتانلار، سعید؛ گیلک حکیم آبادی، محمد تقی و صابر نوچمنی، فاضل. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اثربخشی دولت بر کاهش فرار مالیاتی در کشورهای منتخب. *پژوهشنامه مالیات*، شماره ۲۷: ۶۴-۹۰.
- جعفری صمیمی، احمد؛ فرهنگ، صفر؛ رستم‌زاده، مهدی و محمدزاده، مهدی. (۱۳۸۸). تأثیر توسعه مالی و آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی در ایران. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی*، سال نهم، شماره چهارم: ۲۲-۱.
- دادگر، یدالله؛ کشاورز حداد، غلامرضا و تیاترج، علی. (۱۳۸۵). تبیین رابطه تورم و رشد اقتصادی در ایران. *جستارهای اقتصادی*، دوره ۳، شماره ۵: ۵۹-۸۸.

- سجادی، سید مهدی. (۱۳۸۲). جهانی شدن و پیامدهای چالش‌برانگیز آن برای تعلیم و تربیت. *مجله علوم تربیتی و روانشناسی*، دوره ۳، سال ۱۰، شماره ۳ و ۴: ۱۲۸-۱۱۳.
- علیخانی، محمد؛ آصف‌زاده، سعید؛ محبی‌فر، رفعت و منتظری، علی. (۱۳۹۱). بررسی شاخص توسعه انسانی (HDI) در ایران و کشورهای منتخب. *فصلنامه پایش*، سال ۱۱، شماره ۴: ۴۲۳-۴۱۵.
- کاوسی، اسماعیل و احمدی، فخرالدین. (۱۳۸۹). جهانی‌شدن و توسعه منابع انسانی (مقایسه تطبیقی ۶۲ کشور جهان). *مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی*، دوره ۱، شماره ۱: ۷۹-۱۰۸.
- حضارمقدم، نسرین؛ سبحانی، بهرام؛ احمدی، علی محمد و محمودی، وحید. (۱۳۹۴). بررسی اثر جهانی‌شدن بر شاخص‌های سلامت. *فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن*، سال ۶، شماره ۱۶: ۱۹۹-۲۳۶.
- میرباقری هیر، میرناصر؛ رحیم‌زاده، فرزاد و صفوی، سید راشد. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو منا. *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۴، شماره ۱۶: ۱۰۵-۱۲۰.
- Ahmadian, M. (2011). *Review and critique of the global economic freedom indices (1-36)*. Center for business environment studies. (in Persian)
- Alikhani, M., Asefzadeh, S., Mohebifar, R., & Montazeri, A. (2012). A study of human development index (HDI) in Iran and selected countries. *Quarterly Journal of Payesh*, 11 (4), 415-423. (In Persian).
- Asefzadeh, S. & Piri, Z. (2004). Concepts of human development and the trend of human development index in Iran. *Iranian South Medical Journal*, 7 (2), 1-23 (in Persian).
- Ayala, C. (2005). Economic underdevelopment and sustainable development in the world: conditioning factors, problems and opportunities. *Environment, Development and Sustainability*, 7(1), 95-115.
- Bergh, A. & Nilson, T. (2014). Globalization and poverty. *Cambridge Working Papers in Economics* 26: 488-505, Faculty of Economics, University of Cambridge.
- Dadgar, Y., Keshavarz H. Gh., & Tiyatraj, A. (2006). Description of the relationship between inflation and economic growth in Iran. *Journal of Economic Literature*, 3(5), 59-88 (in Persian).
- Davies, A., & Quinlivan, G. (2006). A panel data analysis of the impact of trade on human development. *The Journal of Socio-Economics*, 35(5), 868-876.
- Effiom, L., Ubi, P. S., Okon, E. O., & Itam, E. E. (2011). Trade liberalization and human capital in Nigeria: A vector autoregressive analysis. *European Journal of Economics, Finance and Administrative Sciences*, 40, 154-168.
- Georgiou, M. N. (2015). Economic freedom and human development index. *Economics Research Network*, 40, 142-163.
- Hezareh, M. N., Sahabi, B., Ahmadi, A. M., & Mahmoudi, V. (2015). Examining the Impact of Globalization on Health Indicators. *Quarterly Journal of Strategic Studies on Globalization*, 6(16), 199-236 (in Persian).
- Jadoon, A. K., Rashid, H. A., & Azeem, A. (2015). Trade liberalization, human capital and economic growth: Empirical evidence from selected Asian countries. *Pakistan Economic and Social Review*, 53(1), 113-132.
- Jafari S. A., Farhang, S., Rostamzadeh, M., & Mohammadzadeh, M. (2009). The effect of financial development and trade liberalization on economic growth in Iran. *Quarterly Journal of Economic Research*, 9 (4), 1-22 (in Persian).

- Karimi, P. S., Gilak H. M., & Saber N. F. (2015). Examining the impact of government effectiveness on tax evasion reduction in selected countries. *Tax Research Journal*, 27, 64-90 (in Persian).
- Kavooosi, E. & Ahmadi, F. (2010). Globalization and human resource development: A comparative study of 62 countries. *Strategic Studies of Public Policymaking*, 1 (1), 79-108 (in Persian).
- Looney, R. (2007). The Brooder Middle East initiative: Requirements for success in the Gulf, strategic insights, presented at the conference on development challenges for the 21st century, Cornell University, 3(8), 102-135.
- Mirbageri, H. M., Rahimzadeh, F., & Safavi, S. R. (2014). Examining the impact of trade on human development in selected member countries of MENA. *Journal of Economic Growth and Development Research*, 4 (16), 105-120 (in Persian).
- Razmi, S. M. J., & Yavari, Z. (2012). Reviewing the effect of trade openness on human development. *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*, 4(6).
- Roberts, J. M. & Margulies, G. A. (2016). How economic freedom can be restored in Argentina (special report, 5: 179-200). Institute for Economic Freedom and Opportunity, The Heritage Foundation.
- Rodrik, A. (2001). Multivariate methodology to uncover regional disparities: A contribution to improve European union and governmental decisions. *European Journal of Operational Research*, 15, 121-135.
- Sajjadi, S. M. (2003). Globalization and its challenging consequences for education. *Journal of Educational Sciences and Psychology*, 3 (3 & 4), 113-128 (in Persian).
- Salvatore, D. (2007). Growth, international inequalities and poverty in a globalizing world. *Journal of Policy Modeling*, 29, 635-641.
- Sapkota, J. B. (2015). Infrastructure access and human development. University of Tsukuba, 70, 88-102.
- Turen, U., Yunus, G. & Ahmet, K. (2016). National ICT, economic freedom and human development. *Academic Journal Article*, 7, 49-72.
- UNDP. (1990, 2015). Human development report.